

# نظریه‌ی واژه‌گزینی مفهومی

دفتر نخست از مجموعه گفتارها در  
برنامه‌ریزی زبان

سیما وزیرنیا

|                     |                                         |
|---------------------|-----------------------------------------|
| سرشناسه             | وزیرنیا، سیما، ۱۳۲۸ -                   |
| عنوان و نام پدیدآور | نظریه واژه‌گزینی مفهومی / سیما وزیرنیا. |
| مشخصات نشر          | تهران: واژه‌آرا، ۱۳۸۶ -                 |
| مشخصات ظاهری        | ۳ ج.: جدول، نمودار.                     |
| فروست               | مجموعه گفتارها در برنامه‌ریزی زبان      |
| شابک                | ۵-۸۲-۶۴۹۸-۶۴۴-۹۷۸-۶۰۰۰ ریال             |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا                                     |
| یادداشت             | کتابنامه.                               |
| یادداشت             | واژه‌نامه.                              |
| موضوع               | فارسی - واژه‌سازی.                      |
| موضوع               | زبان‌شناسی.                             |
| رده‌بندی کنگره      | ۶ ن ۴ و ۹۶۴ PIR                         |
| رده‌بندی دیویی      | ۴۳۱ ف ۴                                 |
| شماره کتابخانه ملی  | ۱۰۳۸۶۷۹                                 |

## واژه‌آرا

نظریه‌ی واژه‌گزینی مفهومی

دفتر نخست از مجموعه گفتارها در برنامه‌ریزی زبان

سیما وزیرنیا

چاپ اول: ۱۳۸۶

چاپ: نگارش

صحافی: غزل

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۵-۸۲-۶۴۹۸-۶۴۴-۹۷۸

بها: ۶۰۰ تومان

## فهرست مطالب

| عنوان                                                | صفحه |
|------------------------------------------------------|------|
| مقدمه .....                                          | ۷    |
| تکرار ضروری .....                                    | ۷    |
| زبان، اطلاعات، اندیشه .....                          | ۸    |
| برنامه ریز ندار .....                                | ۱۰   |
| پیشینه‌ی کار .....                                   | ۱۱   |
| چرا نظریه؟ .....                                     | ۱۱   |
| ۱. پیش‌گفتار .....                                   | ۱۵   |
| ۲. روش‌های واژه‌گزینی .....                          | ۱۶   |
| ۱-۲) از گرده برداری تا روش مفهومی .....              | ۱۸   |
| ۲-۲) روش مفهومی پیوستار است .....                    | ۱۹   |
| ۳-۲) حالت‌های واژه در روش مفهومی و گرده‌ای .....     | ۲۳   |
| ۳) واژه‌گزینی مفهومی قانونمند است .....              | ۳۰   |
| ۱-۳) ضرورت در روش مفهومی .....                       | ۳۰   |
| ۲-۳) دلالت‌گر در واژه‌گزینی مفهومی .....             | ۳۳   |
| ۴-۳) روش مفهومی همیشه برتر از روش گرده‌ای نیست ..... | ۳۹   |

|                                                                     |    |
|---------------------------------------------------------------------|----|
| ۳-۵) استدلال در روش مفهومی .....                                    | ۳۹ |
| ۴) تفاوت فرایندهای شناختی و روانشناختی در روش گردهای و مفهومی ..... | ۴۲ |
| ۵) تحلیل و پرسش در چارچوب رویکرد نظام‌واره .....                    | ۴۵ |
| ۶) چارچوب مفهومی .....                                              | ۴۸ |
| پی‌نوشت .....                                                       | ۵۱ |
| منابع .....                                                         | ۵۵ |

## مقدمه

### تکرار ضروری

اهمیت زبان و نقش آن در بیان اندیشه و باروری فرهنگ آن قدر بدیهی و طرح این مسئله به حدی تکراری است که باید اقرار کنم بنشین، گزاره‌ای در باب آن، در صدر این مقدمه، به بیان استعاره‌ای فیزیکی، آنتروپی<sup>۱</sup> بسیار و ارزش اطلاعاتی نزدیک به صفر دارد! در عین حال مسئله ارزش اطلاعاتی بسیار می‌یابد؛ البته هنگامی که بدانیم، به آن چه می‌دانیم، کم‌تر جامه‌ی عمل می‌پوشانیم، یا اگر منصف باشیم، باید، بگوییم جامه‌ی عمل مناسب نمی‌پوشانیم.

در مراقبت از زبان فارسی، بر عهده‌ی همه‌ی ماست که ضمن نصب‌العین قرار دادن آن عبارات احساس برانگیز و حاوی واژه‌های

1. Entropy، آنت

پرطمطراق اهمیت و نقش و اندیشه و فرهنگ، اقدام به چاره اندیشی و برنامه ریزی کنیم و به موقع و درست و علمی هم اقدام کنیم؛ در غیر این صورت، آن عبارات جز شعارهایی فریبا چیزی نخواهند بود. برای این کار نیازمند تدوین مبانی نظری برنامه هستیم، زیرا تجربه نشان داده است که در زمینه هایی این چنین، هر تلاشی اگر متکی به پشتوانه ی نظری قابل دفاع نباشد، احتمال بی ثمر ماندنش کم نیست.

آن چه نیاز داریم، تدوین برنامه های خرد و کلان زبانی است؛ برنامه های نظام دار، متکی بر روی کردی مشخص و برخوردار از روش علمی؛ چه در حوزه ی اصلاح و تهذیب یا نوسازی و توسعه ی زبان، چه در زمینه ی فرهنگ سازی برای برای این فعالیت ها. اصطلاحات مذکور مفاهیمی ویژه در برنامه ریزی زبانی است که نگارنده برای نخستین بار، آن ها را پس از گردآوری اطلاعات از منابع متنوع، در نظامی یک پارچه مدون کرده و به منظور طراحی الگویی ویژه، در نمایی گرافیکی ترسیم کرده ام. این الگو که عین آن را از طرح پژوهشی زبان فارسی معیار<sup>۱</sup> برگرفته و ضمیمه ی این گفتا کرده ام، حاوی نگاه ویژه ی فلسفی به برنامه ریزی زبانی و نشان دهنده ی جایگاه واژه گزینی در میان رویکردها و نسبت آن با سایر رویکردها و سایر دیدگاه ها در این زمینه است. (ص ۹)

## زبان، اطلاعات، اندیشه

درباره ی زبان فارسی، پیش تر چیزهایی گفته و نوشته ام، همه ی آن ها

---

۱. زبان فارسی (در متن آموزشی)، پژوهشگر سیما وزیرنیا، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران خرداد ۱۳۸۳.

درون مقوله‌ای در جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرند که برنامه‌ریزی زبان نام دارد. برنامه‌ریزی زبان در نهایت، برنامه‌ریزی برای مهم‌ترین جزء فرهنگ و به عبارتی، برای چیزی است که در جامعه‌شناسی وحدت نمادین می‌نامند و این خود، یعنی چاره‌اندیشی و معرفی راه‌های درمان نه چندان سرسری و سرپایی برای عارضه‌ای نه چندان سهل‌العلاج که یکی از علل آن امواج کوپنده‌ی اطلاعات است؛ با دبدبه و کبکبه می‌آید - و آمده است - بی حساب، اطلاعات گوناگون به همراه می‌آورد که غالباً مفید، جذاب و شیرین است، اما زبان را به بهای ارزش حجم دستاوردهایش، به مراتب دوم و سوم اهمیت و شاید هم کمتر، فرو می‌کشد، زبان را زیر امواجش خرد می‌کند، ارزش کیفی اندیشه را به کمیت آن و دانش را به اطلاعات تقلیل می‌دهد و همراه خیزابه‌هایش، اطلاعات اشغال<sup>۱</sup> را - به گفته‌ی هابرماس<sup>۲</sup> - بالا می‌آورد؛ حجمی عظیم که از لابلای آن‌ها اطلاعات ارزشمند تنها به یمن زبانی بسامان و اندیشه‌ای پر بار بخت تبدیل شدن به دانش را خواهد داشت؛ اما این هر دو را، اگر هوشیارانه عمل نکنیم، پیشاپیش بلعیده است. نگاهی گذرا، از دو بعد واژه‌های علمی فاقد برابر مناسب و ساختارهای کج و معوج در زبان فارسی، جنبه‌های دردناک و در عین حال مضحک مسئله را نمایان می‌سازد. در سال‌های اخیر فنگلش<sup>۳</sup> نیز مزید بر علت شده است؛ زبانی که نمونه‌ی بارز پسر وی و انحطاط زبان در برابر هجوم امواج

1. Garbage information

2. Habermas

۳. زبان فارسی به خط انگلیسی که در گپ‌های رایانه‌ای باب شده و پر از اصطلاحات رایانه‌ای انگلیسی و ترکیب‌های مزجی عجیب و ترکیب‌های فارسی - انگلیسی غریب است.

فن و اطلاعات است و کسی هم جلودارش نیست.

ما برای حل معضلات زبانی به دو نوع یا به عبارتی دو دسته نظریه نیازمندیم. در یک گروه نظریه‌های زبانی به طور اعم و برنامه‌ریزی زبان به طور اخص و در گروه دیگر نظریه‌هایی در باب اطلاعات و فرهنگ. نظریه‌هایی که در سایه‌ی آن‌ها، جایگاه اجزاء مهم فرهنگ از جمله زبان را مشخص کنیم و آن‌ها را در نوع رفتار با همه‌ی عناصر درون برنامه به کار بگیریم: با خود اطلاعات که پیوسته غول‌تر می‌شود، با زبان که در صورت بی‌برنامگی زیر پای آن غول خرد می‌شود و با فرهنگ و اندیشه که چنین زبان ضعیف و چنان اطلاعات مهاجمی کم‌تر به کار زخمش می‌آید.

در غیر این صورت، با زبانی ناتوان و به تبع آن، اندیشه‌ای پریشان از آن امواج، تنها همان محتوای تعبیر «هابرماسی» اش را نصیب خواهیم برد.

### برنامه ریز ندار

همه‌ی کسانی که در حوزه‌ی زبان فارسی - یا هر زبان دیگر - کار می‌کنند، برنامه ریز زبان‌اند، تنها زمینه و دامنه‌ی کارشان با یکدیگر متفاوت است. هم‌چنین بعضی رسماً برنامه‌ریز زبان‌اند اما بعضی ممکن است اسباب و امکانات رسمی کار را در اختیار نداشته باشند. من در حال حاضر از نبارهای این حوزه‌ام؛ غمی نیز ندارم، می‌دانم که عشق دستگیر بزرگی است.

همیشه بر زبان فارسی عاشق بوده‌ام و هستم و به جال جنبه‌هایی از آن که از کج سلیقگی‌ها، تیمار نکردن‌ها و آموزش‌های نادرست و نامناسب آسیب دیده است، عمیقاً تأسف می‌خورم؛ حاصل این عشق و تأسف

سالیان؛ گفتارها و پژوهش‌هایی است که این دفتر یکی از آنهاست.

### پیشینه‌ی کار

در آبان ماه ۱۳۸۴، به دعوت و سفارش مسئولان سومین همایش واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تدوین مقاله‌ای درباره‌ی مبانی و دستورالعمل‌های واژه‌گزینی مفهومی را پذیرفتم، کار دشوارتر و پیچیده‌تر و مفصل‌تر از آن شد که گمان می‌بردم - و می‌بردند - شش ماه از وقت مرا که باید صرف اتمام ترجمه‌ای می‌شد، به خود اختصاص داد. حاصل کار را در اول اسفند ۱۳۸۴، فارغ از هر نوع سفارش و قراردادی، به فرهنگستان هدیه کردم که از آن تاریخ تا کنون در گروه واژه‌گزینی مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما چنین کارهایی اگر به موقع منتشر و علنی نشوند، محتوایشان به علت شکل خاص استفاده‌های پیشین، پس از انتشار در مجموعه‌های رایج، آن هم با تأخیر چند ساله، دیگر فاقد ارزش اطلاعاتی خواهد بود. به همین سبب بهتر دیدم که در چنین دفتری فراهمش آورم. همین صورتش را نیز مجدداً به فرهنگستان زبان و ادب فارسی هدیه می‌کنم. نخستین گام در این زمینه است و در باب بی نقصی آن ادعایی ندارم.

### چرا نظریه؟

همه‌ی ما نظریه پردازیم. غالباً استنتاج‌ها و دیدگاه‌های خود را در باب مسائل زندگی روزمره در قالبی بیان می‌کنیم که در مباحث نظریه‌شناسی به آن نظریه‌ی عامیانه می‌گویند. محدودی از کسانی نیز که در حوزه‌های

علمی خاصی کار می‌کنند، دست در کار تدوین نظریه‌اند، اما ممکن است نظریات آنان آگاهانه تدوین نشود و تنها حاوی بذر نظریه‌ای نو باشد و بعدها دیگران به آن چنین نامی بدهند. گروهی نیز آگاهانه دست به این کار می‌زنند. این گفتار از گونه‌ی اخیر است. از کیفیت روند کار ناآگاه نبوده‌ام؛ همچنین آگاهانه همه‌ی عناصر لازم را در ساختار آن گرد آورده‌ام: اصول بدیهی، چارچوب مفهومی<sup>۱</sup>، مقوله‌بندی‌های منطقی<sup>۲</sup>، مبانی نظری، مقوله‌های توصیفی و تجویزی و ابزاری برای نقد وضع موجود در زمینه‌ی مربوط به خود. روند کار چون تدوین دستوری توصیفی - تجویزی برای زبانی نو بوده است.

قواعد را از میان داده‌های موجود استخراج کرده‌ام، از این رو نظریه‌ای خاکی<sup>۳</sup> است.

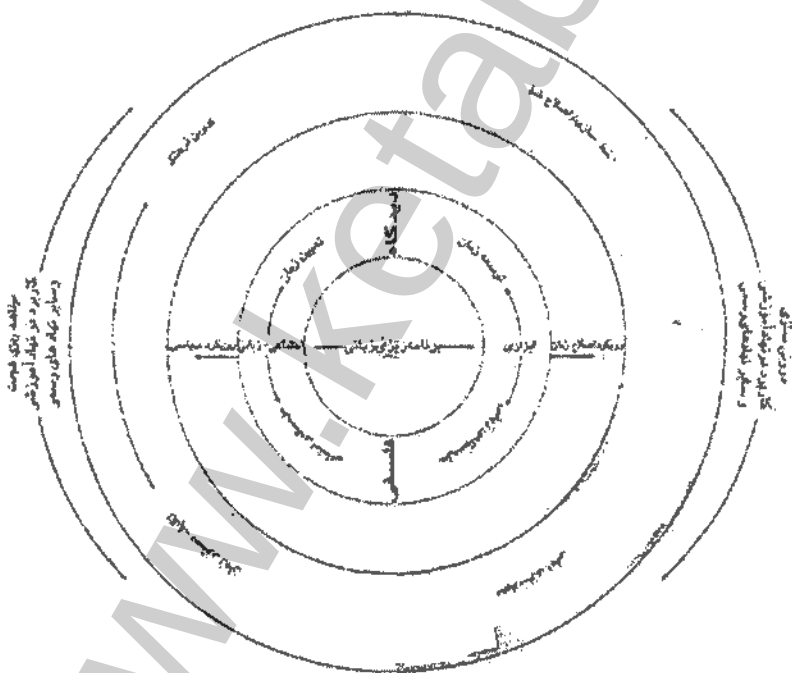
از حیث وسعت میدان کاربرد، در مقایسه با نظریه‌های خرد یا کلان جزء نظریه‌های متوسط است و از جهت فلسفه‌ی برنامه‌ریزی، درون رویکرد توسعه و نوسازی زبان جای دارد.

این دفتر نخستین شماره از مجموعه‌ای است که در دست تدوین دارم و اگر عمری و مجال باشد، بقیه را نیز به حضور همه‌ی علاقه‌مندان به زبان فارسی تقدیم می‌کنم و چشم راهنمایی دارم.

مهر ماه هشتاد و پنج  
سیما وزیریا

- 
۱. چارچوب مفهومی شامل اصطلاحاتی است که غالب آن‌ها ویژه‌ی این گفتار ابداع شده‌اند.
  ۲. در مقدمه‌ی گفتار، از روش‌های واژه‌گزینی، تقسیم بندی منطقی و جدیدی به دست داده‌ام. آن گونه که از مطالعه‌ی دو مجموعه همایش واژه‌گزینی بر می‌آید، تاکنون مقوله‌ی رویکرد، روش و فنون در محتوا و در عنوان با هم خلط شده‌اند.

نمودار نسبت چهارپایانی در پژوهش، با کلیت برنامه ریزی زبانی



جایگاه این گفتار در نمودار، با \* مشخص شده است

## ۱. پیش‌گفتار

در این گفتار به یک پرسش محوری درباره‌ی ماهیت معادل مفهومی<sup>۱</sup> و پرسش‌های دیگری که مرتبط با آن‌اند، به تفصیل پاسخ داده شده<sup>۲</sup> و مبانی، روش‌ها، فنون و استدلال دواژه‌گزینی مفهومی از رهگذر این پاسخ‌ها صورت‌بندی شده است.<sup>۳</sup>

چون ورود به بحث اصلی مستلزم اشاره‌ای به روش‌های دیگر واژه‌گزینی است، مسائلی نیز در آن زمینه‌ها طرح شده است. ضرورت توجه به موضوع در بستر کل جریان واژه‌گزینی، در تحلیل نهایی این بحث مشهود است. این گفتار بر اصولی<sup>۴</sup> استوار است که با استفاده از چارچوب مفهومی<sup>۵</sup> ویژه‌ای بسط یافته و خود الگوهای توصیفی و تجویزی را پدید آورده‌اند. چارچوب مفهومی در فهرستی جداگانه در پایان کار تنظیم شده<sup>۶</sup>، آن اصول نیز از این قرار است:

- واژه‌گزینی مفهومی<sup>۷</sup> تنها یکی از پنج روش رایج در واژه‌گزینی است؛
- واژه‌گزینی مفهومی زمانی اتخاذ می‌گردد که گردد برداری<sup>۸</sup> غیر ممکن

باشد یا محصول آن با روح زبان فارسی هم خوانی نداشته باشد؛

- معادل مفهومی\* پیوستار است و میان آن با معادل گرده‌ای\* درجاتی هست که می‌توان آن‌ها را نیمه مفهومی\* نامید؛

- روش مفهومی چهار حالت\* دارد که پیچیده‌ترین آن واژه‌آفرینی\* یا ابداع نام برای مفهوم ذهنی جدید است؛

- معادل مفهومی بر اساس ضرورت\* هایی انتخاب می‌شود؛

- انتخاب معادل مفهومی با توجه به دلالت‌گرهایی\* صورت می‌گیرد؛

- واژه‌گزینی مفهومی متکی بر استدلال\* است؛

- واژه‌گزینی مفهومی را می‌توان در چارچوب نظریه‌ی ساخت شکتی در ترجمه تعریف کرد؛

- روش مفهومی جزء روش‌های واژه‌گزینی خلاق است.

## ۲. روش‌های واژه‌گزینی

غالباً در واژه‌گزینی به دو روش گرده‌ای و مفهومی اشاره می‌شود و یکی در برابر دیگری قرار می‌گیرد. این مقوله‌بندی به گونه‌ای است که گویی میان روش گرده‌ای و روش مفهومی مرزی کاملاً مشخص وجود دارد؛ حال آن‌که واژه‌گزینی مفهومی از مفهومی مطلق تا انواع گوناگون گرده‌ای متمایل به مفهومی را در بر می‌گیرد. در این گفتار نوع اخیر را نیمه مفهومی یا گرده‌ای - مفهومی نامیده‌ایم. در این صورت می‌توان از پنج روش در واژه‌گزینی سخن گفت:

۱. وام‌گیری؛ ۲. معادل‌یابی؛ ۳. گرده برداری (روش گرده‌ای)؛ ۴. گرده‌ای - مفهومی (روش نیمه مفهومی)؛ ۵. مفهوم بنیاد (روش مفهومی).

به رغم آن که بعضی تصور می‌کنند، وام‌گیری با سازوکار تثبیت و ابقایا جابه‌جایی<sup>۶</sup>، روشی مهم و ضروری در واژه‌گزینی است. به ویژه اگر اتخاذ آن پس از رایزنی کافی و سنجش امکانات واژه‌یابی به روش‌های دیگر صورت - گرفته باشد. زیرا گاه معادل مناسب گرده‌ای یا مفهومی واژه‌ی خارجی به سادگی یافت نمی‌شود. این امر به ویژه در رشته‌های علوم پایه بسیار اتفاق می‌افتد و از آن جا که در بعضی موارد اصل اصطلاح با متن‌های مربوط پیوندی محکم می‌یابد، تثبیت و ابقای آن ضروری است. از جمله هنگامی که زمان قابل ملاحظه‌ای از ورود آن به زبان گذشته باشد و خوشه‌ها یا شبکه‌های مفهومی<sup>۷</sup> وسیع گرد خود تنیده باشد و یا مشتقات و انواعی داشته باشد که برابریابی را دشوار کند.

تثبیت و ابقای اصل یا صورت فارسی شده‌ی واژه‌هایی چون باتری (battery)، باکتری (bacteria)، ریتم (rhythm)، شوک (shock)، فوویسم (fauvism)، کوبیسم (Cubism)، دادائیسم (Dadaism)، لیزر (laser)، مکانیک (mechanic)، مولکول (molecule)، آنیون (anion)، الکترون (electron)، پتانسیل (potential) و بسیاری از این دست، حاکی از تشخیص ارزش این واژه‌ها بر اساس همان شبکه‌های مفهومی خاص است.

معادل‌یابی هنگامی صورت می‌گیرد که مفهوم و نام آن پیشاپیش در زبان دوم وجود داشته باشد. در این صورت وظیفه‌ی واژه‌گزین تنها قرار دادن آن نام در برابر واژه‌ی خارجی است.

مثال: apparent magnitude: قدر (در نجوم)

astronomical table: زیج (در نجوم)

web: جان (در مهندسی عمران)

هر گاه برای واژه یا اصطلاح برابری دقیق و منطبق با ترجمه‌ی اجزای واژه یا ترکیب انتخاب شود، واژه‌گزینی گره برداری<sup>۸</sup> نام دارد. مثال‌های زیر از این دست‌اند: dormant seeding: کشت خفته؛ Inversion: وارونگی؛ Chiller: سردکن؛ tachograph: سرعت نگار؛ Geochronology: زمین گشمار؛ taxoid: زهرواره؛ activating group: گروه فعال‌ساز؛ microseism: خرد لرزه؛ bending test: آزمایش خمش؛ magnetic resonancce nuclear: تشدید مغناطیسی هسته. گرده برداری رایج‌ترین روش در واژه‌گزینی است.

## ۱-۲) از گرده برداری تا روش مفهومی

با آن‌که از ترجمه‌ی لفظ به لفظ به گرده برداری و از انتخاب واژه بر اساس متن یا معنی، به روش مفهومی تعبیر می‌شود، حدود و ثغور این دو روش دقیقاً مشخص و مکتوب نشده است.

گاه واژه‌ساز با توجه به متنی که اصطلاح یا واژه در آن به کار رفته واژه‌ای ابداع می‌کند که ترجمه‌ی اصل اصطلاح نیست. یک نمونه delirium است که معادل گرده‌ای آن چیزی چون جنون هذیان یا هذیان‌گویی است. اما از آن‌جا که هذیان تنها یکی از علایم این نشانگان است، معادل گرده‌ای نارسا می‌شود و معادل روان آشفتگی برایش به کار برده‌اند. حال می‌توان پرسید معادل واژه‌های زیر به چه روشی انتخاب شده است:

superimposition: بر هم‌نمایی؛ microphone: صدابُز؛ fish finger:

ماهی لقمه؛ sporadic: تک گیر؛ chlorophyll: سبزینه؛ achromotrichia: سفید موئی مادرزاد؛ toaster oven: برشته‌تار؛ upper case: بالایی؛ agranulocyte: گویچه‌ی سفید تک هسته‌ای.

در مثال‌های فوق واژه‌گزینی بر اساس تغییر یک واژه<sup>۸</sup>، واژه‌کاهی (اختصار<sup>۹</sup>) یا واژه‌افزایی (افزایش<sup>۱۰</sup>) صورت گرفته است. این معادل‌ها در کدام گروه قرار می‌گیرند؟ گرده‌ای یا مفهومی؟

## ۲-۲) روش مفهومی پیوستار<sup>۹</sup> است

اگر ترجمه دقیق و منطبق با اجزای واژه یا ترکیب باشد، معادل گرده‌ای است، اما گاه چنین کاری صورت نمی‌گیرد. در این گفتار، تغییر تا آن جا که در چارچوب خلاقیت‌های زبانی برای تولید معادلی مناسب و مطابق ساختار زبان دوم و معنای واژه‌ی اصلی است، گرده‌ای تلقی شده، اما تغییراتی فراتر از این حد، نیمه مفهومی یا گرده‌ای - مفهومی نام گرفته است.<sup>۱۰</sup> معادل‌های کاملاً گرده‌ای و کاملاً مفهومی از هم تفکیک پذیرند؛ اما میان این دو درجاتی هست. طرح این موضوع برای تعیین معیارهای واژه‌گزینی و از حیث دآوری درباره‌ی واژه‌های هر نهاد علمی دست در کار واژه‌گزینی ضروری است. می‌توان گفت از معادل گرده‌ای تا معادل مفهومی مراحل هست و البته گفتنی است که این مراحل در کل نظام واژه‌گزینی مطرح است نه درباره‌ی تک تک واژه‌ها.

جدول شماره‌ی ۱ به منظور دست‌یابی به معیارهای تفکیک و تمیز این مراحل پیشنهاد شده است.<sup>۱۱</sup> در این جدول چهار مقوله‌ی نخست متعلق به معادل گرده‌ای، پنج مقوله‌ی بعد حد واسطه، یعنی مربوط به

معادل نیمه مفهومی و مقوله‌ی نهایی مفهومی مطلق است.  
در جدول‌ها و تحلیل‌های بعدی معادل‌های مفهومی و نیمه مفهومی  
برای رعایت اختصار در کنار هم ذکر شده‌اند.